

بررسی کتیبه‌های زرین‌فام مزار حضرت فاطمه معصومه (س) در قم*

محسن قانونی^{۱*}، سمانه صادقی مهر^۲

۱. کارشناس ارشد مرمت آثار تاریخی، موزه آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه (س)، قم، ایران

۲. کارشناس ارشد پژوهش هنر، قم، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۶/۱۹، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۱۰/۲۶



چکیده

هنر سفالگری ایران، از دیرباز به‌عنوان قدیمی‌ترین نمونه آثار تولیدی، مهم‌ترین شاخص‌های فرهنگی، اجتماعی و هنری ایران را باز نمود ساخته است. در این میان، شیوه سفالگری زرین‌فام، نقطه اوج سفالگری اسلامی در ایران است. در اوج دوران تولید سفالینه‌های زرین‌فام در سده هفتم هجری قمری، هنرمندان ایرانی به‌خصوص خاندان‌های صنعتگر و هنرمند مانند خاندان طاهر کاشانی، با توسعه روش‌های ساخت آثار زرین‌فام به چنان توانایی در این عرصه دست یافتند که این فن را در کتیبه‌های کاشی‌ها و محراب مهم‌ترین اماکن مقدس ایران به کار بستند. این مقاله در بستری تاریخی و تطبیقی، به بررسی نمونه‌های موجود در مزار حضرت فاطمه معصومه (س) و چگونگی رابطه آنها با نمونه‌های دیگر در ایران پرداخته است. بر این اساس، همکاری خاندان ابی طاهر به‌صورت خاص «محمد بن ابی طاهر» و «علی بن محمد» و شخص «ابوزید» در تولید این آثار بر اساس رقم‌های موجود، مشهود است. اهمیت آثار به حدی است که رقم «ابوزید» را در دو کتیبه مجزا می‌توان مشاهده کرد. همچنین تاریخ ۶۰۲ ه.ق و رقم بانیان کاشی‌ها می‌تواند آنها را قدیمی‌ترین نمونه کتیبه‌های کاشی‌های موجود در این سرزمین معرفی کند.

واژگان کلیدی

ابوزید، خاندان طاهر کاشانی، زرین‌فام، سده هفتم ه.ق، کتیبه‌های کاشی، مزار حضرت فاطمه معصومه (س).

^۱ این پژوهش به سفارش مدیریت فرهنگی و هنری آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه (س) در قم تهیه شده است.
^۲ نویسنده مسئول؛ تلفن: ۰۲۵-۳۷۱۷۵۲۴۳، شماره: ۰۲۵-۳۷۱۷۵۲۴۴، E-mail: mohsenghanooni@gmail.com

مقدمه

و معرفی این آثار به جهان اسلام داشتند. همچنین مهم‌ترین خاندان‌های هنرمند و کاشی‌ساز نظیر خاندان طاهر و خاندان زید با همیاری و همکاری بی‌نظیر، دست به خلق آثاری مشترک در طول سده هفتم و هشتم در مهم‌ترین اماکن مذهبی ایران در قم و مشهد زدند. مهم‌ترین نمونه‌های تولیدی در سده هفتم قمری، در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) و بعدتر، در حرم مطهر امام رضا (ع) تولید شد. این مقاله سعی دارد به مطالعه کاشی‌های مزار حضرت فاطمه معصومه (س) به‌عنوان قدمی‌ترین نمونه‌های باقی‌مانده از این قسم در شهر قم بپردازد.

این پژوهش سعی می‌کند در بستری تحلیلی-توصیفی و با در نظر گرفتن منابع تاریخی و آثار موجود، ابتدا به مطالعه دقیق تاریخی کاشی‌های مرقد مطهر بپردازد و آنها را با منابع تاریخی دیگر و اصل آثار مطابقت دهد. سپس به بررسی و توصیف هریک از نمونه‌ها به‌صورت مجزا و منفرد می‌پردازد و به جست‌وجوی رهیافتی تاریخی و هنری برای به‌دست‌آوردن اطلاعاتی دقیق، بدون پیش‌داوری و دست‌اول در قبال این آثار دست می‌یابد. همچنین در این پژوهش سعی شده است با تطبیق نمونه‌ها و مطالعه تصویری هریک از نمونه کاشی‌ها، برای نخستین بار به فهم و درکی دقیق در راستای شناسایی آنها دست یافته شود. در این میان، طرح‌های گرافیکی و فضاسازی سه‌بعدی مرقد مطهر با جاسازی نمونه کاشی‌های موجود برای دست‌یافتن به این مهم به کار گرفته شده است.

سده ششم قمری حامل پیام‌هایی روشن در حوزه‌هایی همچون فرهنگ، صنعت، دانش و هنر ایران‌زمین پس از پذیرش اسلام در سرزمین ایران بوده است. سلجوقیان و سپس خوارزمشاهیان توانستند در این دوران به دستاوردهای شگرفی دست یابند که اثر و توسعه اجتماعی آن حتی پس از فروپاشی آنان و حملات ویرانگر مغولان در سده‌های بعدی بود. یکی از دستاوردهای مهم آنان، توسعه میانی و ساخت فن سفالگری و کاشی‌سازی ایرانی بود که ایران را به‌عنوان قطبی مهم در جهان اسلام معرفی می‌کرد. همان‌طور که کیگر اسمیت می‌گوید، سهم ایران و جهان اسلام در دنیای سرامیک، یافت، پرورش و توسعه شیوه ساخت سفالینه‌های زرین‌فام بود؛ به گونه‌ای که رشد و نمو این شیوه، در عرض چند سده، به فنی منجر شد که در سده‌های هفتم و هشتم به شیوه‌ای استاندارد و بین‌المللی برای ساخت کاشی‌های مهم‌ترین اماکن مذهبی و تاریخی ایران تبدیل شد (Caiger Smith, 1985: 8).

این رشد جهان‌شمول در گرو توسعه کارگاه‌های منظمی بود که به‌صورت موروثی و خاندانی، نسلی از هنرمندان و صنعتگران مختلف را در طول این اعصار تربیت می‌کرد. حاصل کار آنها، یافتن شیوه‌های نوین در فن زرین‌فام نظیر کتیبه‌کاشی‌ها، کاشی‌های ستاره و هشت‌پر و فن ساخت محراب‌های فخیم برای بقاع متبرکه بود. در این میان، شهرهایی همچون کاشان، ری و قم سهم بی‌نظیری در تولید

پیشینه تحقیق

مشترک با کتاب منوچهر ستوده و مقاله وی است و خود نویسنده به آن ارجاع می‌دهد. آنچه در این میان مهم می‌نماید، خبر از بررسی مشترک دو نویسنده مذکور در زمانی واحد بر روی کاشی‌ها می‌دهد که مدرسی به این نکته در کتاب اشاره می‌کند. آنچه درباره این دو کتاب می‌توان گفت، خوانش غلط برخی از کتیبه در متن هر دو نسخه است که شاید دلیل آن دسترسی محدود یا زمان کوتاه نگارندگان بوده است.

اما پیش از این دو نمونه و در سال ۱۳۴۹، کتابی تحت عنوان گنجینه آثار قم نوشته عباس فیض به طبع و نشر می‌رسد که دارای فضایی تحلیلی‌تر از نمونه‌های فوق است. در این کتاب نویسنده سعی می‌کند با تحلیل تاریخی برخی نمونه‌ها و اطلاعات، به نتایج درخور توجه دست یابد. با توجه به موضوعیت کتاب که دارای نگاهی عمومی به آثار موجود

در حوزه کتیبه‌کاشی‌های مرقد مطهر حضرت فاطمه معصومه (س)، سه منبع مهم در راستای معرفی این آثار مربوط به اواخر دهه چهل و اوایل دهه پنجاه شمسی وجود دارد که تقریباً رویکردی مشابه در روش‌شناسی مطالعاتی خود به کار گرفته‌اند. در کتاب *کتابخانه‌های حرم مطهر فاطمه معصومه (س) و حضیره‌های اطراف آن* نوشته منوچهر ستوده در سال ۱۳۵۳ که اثری تکمیل‌شده بر مبنای مقاله وی با نام «کتیبه‌های آستانه مقدسه قم» متعلق به همان سال بوده و در نشریه «معارف اسلامی» به چاپ رسیده است، نویسنده بر مبنای نگاه تاریخی، فقط به خوانش کتیبه‌های مذکور پرداخته است و البته، تصاویری محدود از برخی از کاشی‌ها را نیز ارائه کرده است.

در همین سال، کتابی با عنوان *تربت پاکان* نوشته حسین مدرسی طباطبایی چاپ می‌شود که باز حاوی مطالبی

ورود اسلام به سرزمین‌های اسلامی، بسیاری از کیمیاگران سعی بر بازتولید تالو خاص طلا در بستری دیگر کردند تا ممنوعیت آن را نیز مرتفع ساخته باشند.

این تلاش در سده‌های نخستین اسلامی در سرزمین‌های مختلف اسلامی نظیر ایران، عراق، سوریه و مصر دارای نمونه‌هایی است. بر این اساس، می‌توان آنها را به نوعی تلاش برای ایجاد فامی زرین در آثار سفالی به کمک لعابینه‌ها بازیابی کرد که بعدها با نام زرین‌فام^۱ مشهور شدند. هنرمندان سرزمین‌های مختلف، بسته به بضاعت خود، آثاری در دوران مشابه تولید کرده‌اند که این امر، انتساب این تکنیک به کشور یا مبدأ خاص را دشوار کرده است. پژوهشگرانی همچون آرتورلین، اپهام پوپ، جیمز آلن و ایتینگهاوزن بر اساس مطالعات خود، زادگاه مولد زرین‌فام را یکی از کشورهای ایران، عراق یا مصر دانسته‌اند (اکبری، ۱۳۸۷: ۳۵).

برای رسیدن به زمینه‌های تاریخی پیدایش فن زرین‌فام و تقدم و تأخر آن، به بررسی دقیق و موشکافی تاریخی نیاز است که در این مبحث جایی ندارد؛ اما فارغ از پیدایش و زمینه ابداع فن زرین‌فام که بیشتر به پیدایش روش‌های یافت «زرین‌فام اولیه»^۲ می‌انجامد، مبحث این پژوهش به دوران اوج شکوهمندی و کمال فن لعاب‌سازی زرین‌فام در ایران است و آن هم مربوط به سده هفتم قمری است؛ جایی که لعاب زرین‌فام دیگر تلاش و تقلیدی برای ساخت تالو طلایی نیست؛ بلکه خود به چنان کمالی رسیده است که دستیابی و رسیدن به آن امری است که به صورت موروثی و در چند خاندان مشخص در ایران محدود می‌شود؛ الگویی متشکل از برجسته‌کاری، موتیف‌های تزئینی، لعاب‌کاری‌های متفاوت و ترکیب‌بندی بی‌نظیر را در خود به نمایش می‌گذارد. این جلوه هنری در ظروف، کتیبه‌ها و محراب‌ها به چنان درجه‌ای رسیدند که تا این روزگار در نوع خود بی‌همتاست.

از سوی دیگر، آنچه مهم جلوه می‌کند، تغییر کاربری آثار زرین‌فام تولیدی در اعصار مختلف تاریخی است؛ به نوعی که از اشیاء و آثار کارکردگرایانه نظیر ظروف در آثار متقدم تاریخی، به سمت آثاری تزئینی - مذهبی همچون کتیبه‌ها و محراب‌ها تغییر مسیری ملموس قابل ردیابی است. این تغییرات گاه به دلیل تغییرات سیاسی و فرهنگی نیز به وجود می‌آید. همچنین با نگاهی دقیق به آثار زرین‌فام تولیدی در تاریخ می‌توان آنها را به سه دسته کلی رده‌بندی کرد تا بتوان بهتر به شناخت موضوع پژوهش دست یافت که همان بررسی کتیبه‌های زرین‌فام موجود در مزار حضرت معصومه (س) در قم است.

بررسی شده است، غلط‌های تاریخی بسیاری را می‌توان در آنها جست‌وجو کرد. البته هر سه نمونه دارای اطلاعات تاریخی مهمی هستند که در نوع خود درخور توجه است. در سال ۱۳۹۳، کتابی از مجموعه گلستان هنر با عنوان *خاندان طاهر کاشانی* نوشته کیانوش معتقدی به طبع رسیده که به مطالعه تمامی آثار تولیدی این خاندان می‌پردازد و شامل نمونه‌های مجموعه آستان مقدس نیز می‌شود.

نکته حائز اهمیت درباره این کتاب، نبود امکان برای مطالعه دقیق و جز به‌جزء کاشی‌های مذکور و مطابقت آنها با اطلاعات تاریخی است؛ به نحوی که بیشتر تمرکز نگارنده بر سازندگان آثار است و خط سیر تاریخی آنها را دنبال می‌کند. با توجه به امکان پژوهش دقیق به دست‌آمده توسط نگارندگان پس از انتقال این کاشی‌ها به موزه آستانه قم، این مهم یعنی بررسی تاریخی و تطبیقی آنها برای روشن‌ساختن بسیاری از گره‌ها و کسری‌های موجود در معرفی آنها لازم به نظر می‌رسید. همچنین برای نخستین بار، از مجموعه مذکور تصویربرداری کامل شد و امکان معرفی، تحلیل و تطبیق تصویری آنها نیز میسر شد؛ امری که پیش از این امکان‌پذیر نبود.

دیباجه زرین‌فام ایرانی

تاریخ سفالگری ایران زمین با قدمتی بیش از تمامی آثار هنری تولیدشده در این سرزمین، به‌عنوان اولین جلوه هنری شاخص مدنظر بوده است. رد پای پیدایش و تکامل سفالگری ایرانی را می‌توان در سده‌ها و بلکه هزاره‌هایی از تاریخ ایران جست‌وجو کرد. اما جلوه‌های خاص تزئینی از قبیل استفاده از لعاب‌های مختلف و فن رسیدن به جلا و بازتاب طلایی را باید در سده‌های اولیه ایران در دوران اسلامی جست‌وجو کرد. از دیرباز بازیابی، تولید و ایجاد فنون رسیدن به رنگ طلایی و بازتاب حاصل از آن، از مهم‌ترین دغدغه‌های کیمیاگران، دانشمندان و هنرمندان جهان پیرامون ما بوده است. این تلاش از دو منظر اهمیت فراوانی در ادوار مختلف تاریخی دارد. یکی رسیدن به عنصری شبیه به طلا با اکسید فلزات ارزان‌قیمت‌تر از آن به‌عنوان مهم‌ترین و ارزشمندترین فلز بشری که می‌توانست جلا، تالو و رنگ آن را در اوج شکوهمندی و ساخت آثار هنری جلوه‌گر سازد و دیگری که شاید بیشتر در مفاهیم دینی و مذهبی باز نمود داشت، تلاش برای رسیدن به کمال خلوص و پاکی فلز طلا که بازتاب و نمادی از پروردگار و عالم غیب است و آن را جلوه‌گر می‌سازد. این مهم در دین اسلام به دلیل ممنوعیت به‌کارگیری فلز طلا در آلات و لوازم زندگی بیشتر جلوه‌گر شد؛ به نوعی که پس از

دسته‌بندی آثار زرین‌فام

۱. سفالینه‌ها و ظروف زرین‌فام
۲. کاشی‌های منقوش
۳. کتیبه‌کاشی‌ها و محراب‌ها

۱. سفالینه‌ها و ظروف زرین‌فام

در پایان سلطنت سلجوقیان در ری و کاشان، سفالینه‌ها و ظروفی با لعاب زرین تولید می‌شد. به گفته مهدی بهرامی احتمال اینکه این آثار در ری تولید شده باشند، بیش از کارگاه‌های هنری کاشان است. اما به قطع مسلم، با حمله مغولان در ۶۲۰ قمری، دوران ساخت آثار سفالی در ری به پایان رسید (بهرامی، ۱۳۲۷: ۶۳) و کاشان که پیوسته مرکز پرورش هنرمندان نقاش و خوش‌نویس بود، کانون توجه سفالگری ایران قرار گرفت. همچنین ابتکارات مهمی در حوزه ساخت زرین‌فام و تکامل این فن توسط هنرمندان کاشانی به وقوع پیوست که قابل بررسی است.

از لحاظ دوره تاریخی در کاشان و ری، احتمالاً در یک زمان، شاهد تولید ظروف زرین‌فام بوده‌ایم؛ ولی نقاشان کاشانی زودتر از همتایان خود در ری مراتب کمال را سپری کرده‌اند (بهرامی، ۱۳۲۷: ۷۲). درباره کهن‌ترین سفال زرین‌فام ایرانی تاریخ‌دار اختلاف‌نظرهایی وجود دارد.^۳ هریک از تاریخ‌های مطروحه در منابع تاریخی را که در نظر بگیریم، باز هم قدیمی‌ترین نمونه متعلق به سده ششم قمری و دوران سلطنت سلجوقیان در ایران است. گویی طبع و سلیقه خاندان سلجوقی، در حمایت از ساخت سفالینه‌های پاکیفیت، مدنظر حاکمان وقت بوده است؛ به گونه‌ای که مانند سده‌های پیش از آن، ساخت سفالینه‌ها و ظروف تزئینی-کاربردی هدف خلق آثار بوده است. شاید میزان پیشرفت و کمال هنرآفرینی سفالگران ایران هنوز به حدی نرسیده که بتوان به ابداعات جدید رسید و این مهم در اواخر سده ششم و دوره خوارزمشاهیان به وقوع پیوست.

۲. کاشی‌های منقوش

در اواخر سده ششم قمری، تولید سفالینه‌های زرین‌فام علاوه بر ظروف در فرم‌های دیگری همچون کاشی و محراب‌ها به صورت‌های مختلفی صورت می‌گرفته است. سهم سفالگران ایرانی به‌ویژه کاشانی، در ساخت تکنیک جدیدی که بعدها هم به نام صاحبان آن یعنی «کاشی» شهرت یافت، انکارناپذیر است. ابن بطوطه^۴ در سفرنامه خود به فن کاشی‌های زرین‌فامی با فرم پنج‌پر به نام کاشانی اشاره می‌کند^۵ (معتقدی، ۱۳۹۳: ۹). ابوالقاسم عبدالله کاشانی در سال ۷۰۰ قمری یکی از اعضای خاندان طاهر

کاشانی که در ادامه معرفی خواهد شد، در کتاب *عرایس الجواهر و نفایس الاطایب* به مبحث زرین‌فام، مواد متشکله و فن ساخت آن سخن به میان آورده است که خود، قدیمی‌ترین نمونه دستورالعمل ساخت زرین‌فام نیز است.

اما قدیم‌ترین نمونه کاشی زرین‌فام تاریخ‌دار در موزه صنایع عرب در قاهره به رقم/بوزید بطله و تاریخ ۶۰۰ قمری است (بهرامی، ۱۳۲۷: ۷۶). از نمونه آثار باقی‌مانده از هنرمندی ابوزید در همین دوران و در دهه‌های بعدی آن، آثار شگرفی تولید شده و باقی مانده است. تکنیک کاشی‌سازی در دوران پساخوارزمشاهی و در حکومت ایلخانان نیز ادامه یافت؛ به گونه‌ای که بسیاری از نمونه‌های باقی‌مانده از اماکن تاریخی و مذهبی در مشهد و قم، مزین به کاشی‌های چندپر و ستاره‌ای متعلق به سده هفتم قمری است.

عموماً تصاویر به‌کاررفته در این کاشی‌ها تصاویر بر زمینه‌ای زرین‌فام مشتمل بر تصاویر گل و بوته، شاخ‌وبرگ، مرغان، جانوران، تصاویر انسانی و گاهی مجالس شکار است. شیوه به‌کارگیری و انتخاب رنگی کاشی‌ها در اوج هماهنگی و کمال است؛ به گونه‌ای که با اینکه عموماً تک‌کاشی‌ها دارای تصاویر و عناصر غیرهم‌شکل و مجزا هستند، در کل، به چنان هماهنگی می‌رسند که در نوع خود بی‌همتاست. همچنین عبارات، احادیث و آیات با کارکرد اجتماعی و اخلاقی بر حاشیه برخی از کاشی‌ها نقش می‌بست که علاوه بر خاصیت تزئینی، این کاشی‌ها را دارای بار اخلاقی و عرفانی نیز می‌ساخت.

۳. کتیبه‌کاشی‌ها و محراب‌ها

با پیشرفت فنون کاشی‌کاری، ارتقای خط و خوش‌نویسی در سده هفتم قمری و تعلق خاطر شدید هنرمندان به اماکن مذهبی نظیر آستان مقدس حضرت معصومه (س) در قم و آستان مقدس امام رضا (ع) در مشهد، شاهد پیدایش شیوه‌هایی هستیم که در اوج کارکرد زرین‌فام در ایران کانون توجه قرار گرفت: خشت‌های بزرگ چهارگوش که عموماً برای آرایش ازاره بنا، دور مزار متوفی یا دور محراب‌ها را در بر می‌گرفت. کارکرد مذهبی این گونه‌ها بیش از دیگر کارکردها بود و عموماً آنها در بنای امامان و امامزادگان به کار گرفته شده‌اند. از برجسته‌ترین نمونه‌های خاندان طاهر کاشانی می‌توان به کتیبه‌کاشی‌ها و محراب اماکن مذهبی ایران، یعنی حرم امام رضا (ع) در مشهد و برخی از اماکن مذهبی نظیر حرم حضرت معصومه (س)، مقبره علی ابن جعفر و برخی از امامزادگان دیگر در قم اشاره کرد. بر اساس مطالعات و شیوه ساخت آنها، فن ساخت کتیبه‌کاشی‌ها عموماً قالب‌گیری بوده است (Carboni, 1993: 22). به دلیل برجسته‌کاری قطعات و

تاریخی آثار بسیار به هم شبیه است؛ اما از لحاظ ساختاری، شامل اشتباهاتی است که حاصل عدم خوانش دقیق کتیبه‌هاست. همچنین به دلیل پیچیدگی موجود، پژوهشگران پس از بررسی سطر به سطر کتیبه‌های کاشی‌ها و نه بر اساس تنوع کاشی‌های موجود در مقبره، آنها را دسته‌بندی کرده‌اند که این خود خواننده را بیش از پیش گمراه می‌کند. همچنین ارائه نکردن مستندات تصویری لازم، کار را پیچیده‌تر کرده است. آنچه نویسندگان را به نگارش این پژوهش واداشت، بررسی دقیق، بدون پیش‌فرض، بر اساس تنوع آثار و البته تاریخ‌محور کاشی‌های موجود است که شاید به دلیل ورود قسمت عمده‌ای از کتیبه‌های کاشی‌های مقبره به موزه آستانه، این مهم راحت‌تر و با دقت بیشتری صورت پذیرفت.

به صورت کلی، مقبره حضرت دارای شش سری کاشی‌های متفاوت روی خود است:

۱. ردیف رویی قبر که بیشتر با نام «لوح مزار»

شناخته می‌شود و بسیار شبیه به نمونه‌های محراب‌های همین دوره است.

۲. ردیف دورتادور لوح مزار که شامل لبه بیرونی مقبره نیز می‌شود، دارای کتیبه‌ای به خط ثلث مشتمل بر صلوات کبیر و لبه بیرونی که در مجموع مشتمل بر دو سطر است.

۳. کتیبه‌های کاشی‌های دیواره بالایی مقبره که توضیح وقف و تاریخ خلق آن است و خود مشتمل از دو سطر است.

۴. کاشی‌های ستاره و هشت‌گوشه که دیواره مقبره را تشکیل می‌دهد.

۵. کتیبه‌های کاشی‌های دیواره پایینی مقبره که شامل آیات قرآن و رقم خطاط کاشی‌هاست و خود مشتمل بر سه سطر است.

۶. در چهارگوشه، چهار کاشی L شکل است که متأخرتر از مجموعه کاشی‌های بالاست.

آنچه مهم است، توجه به این نکته است که ردیف اول و چهارم هنوز روی مزار حضرت نصب هستند و بقیه ردیف کاشی‌ها در تغییر و تحولات عمرانی دهه هفتاد شمسی، به موزه آستانه منتقل گشته‌اند که مشتمل بر کتیبه‌های کاشی‌ها و کاشی‌های چهارگوشه مزار است. در ذیل تصویری گرافیکی از مقبره ترسیم و محل قرارگیری انواع کاشی‌ها در آن مشخص شده است و در یازده قسمت در جدولی، به خوانش متون آن پرداخته شده است.

ابعاد و تکمیل کاشی‌ها در کنار هم به مثابه یک کتیبه، شیوه قالب‌گیری محتمل‌ترین شیوه ساخت در نظر گرفته می‌شده است. هنرمندان و صنعتگران پس از تهیه قالب سفالین کاشی‌ها، دست به ساخت لعاب زرین‌فام آن می‌زدند.

شیوه تکامل یافته کتیبه‌ها در محراب‌ها متجلی بود. عموماً در کنار کتیبه‌های کاشی‌ها، محراب‌ها به عنوان عنصر تزئینی و تکمیلی قرار می‌گرفتند. شیوه ساخت محراب‌ها به مثابه کتیبه‌های مفروض است؛ اما تزئینات در محراب‌ها همراه با عناصر تزئینی، بیش از خط و خوش‌نویسی به کار می‌رفته است.

آنچه در این میان مهم‌ترین دلیل نگارش پژوهش فوق است، همانا یافتن قدیمی‌ترین نمونه کتیبه‌های کاشی‌ها و بررسی دقیق آنهاست. آنچه بیشتر در نمونه‌های تاریخی که مستشرقین برای تاریخ هنر ایران نگاشته‌اند، حاوی مطالبی کلی و دست‌چندم است، چرایی این موضوع در بودن این نمونه آثار در اماکن مذهبی ایرانی است که عموماً دسترسی غیرمسلمانان به آنها سخت یا غیرممکن بوده است.

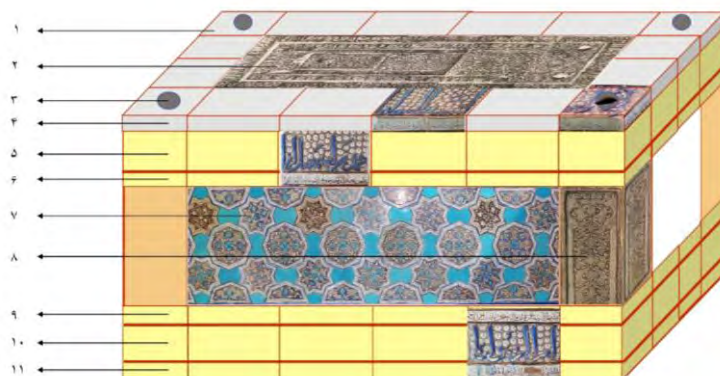
کتیبه‌های کاشی‌های مزار حضرت فاطمه

معصومه (س) در قم

معرفی اثر

مجموعه مزار حضرت فاطمه معصومه (س) به عنوان فرزند و خواهر دو تن از امامان شیعه که یکی از آنها، تنها امام مدفون در سرزمین ایران است، به تنهایی عامل اهمیت وی و مقبره وی در شهر قم است. این اهمیت در شهری که دارای یکی از طولانی‌ترین و مهم‌ترین پشتیبانان تشیع در ایران بوده، به حدی است که غنای معماری و هنری بنای آن، کمتر از بنای مقابر امامان شیعه نیست و در ادوار مختلف تاریخ، از حمایت حاکمان نیز برخوردار بوده است. در ادوار مختلف تاریخ، قسمت‌های گوناگونی از بنای مقبره ایشان ساخته یا تکمیل شده است؛ ولی مبحث اصلی این پژوهش درباره یکی از سندهای قدیمی باقی‌مانده در این بنا، یعنی مجموعه کاشی‌های مزار این حضرت است.

مقبره این حضرت حدود تقریبی ۳ متر در ۱/۲۰ سانتی‌متر و ارتفاعی در همین حدود، مشتمل بر کاشی‌های متنوع زرین‌فامی است که از اوایل تا میانه سده هفتم قمری تولید شده‌اند. در منابع مختلفی از تاریخ آثار هنری قم، مزار حضرت معصومه (س) و کاشی‌های آن به صورت‌های گوناگونی معرفی شده است.^۶ به هر حال، نوع نگارش و بررسی

تصویر ۱. طرح بازسازی شده مزار حضرت فاطمه معصومه (س) در قم^۷

جدول ۱. جدول معرفی قسمت‌های مختلف مزار

شماره	نام	توضیحات	تصویر
۱	ردیف کتیبه کاشی‌های دور لوح مزار و لبه بیرونی مقبره	به خط ثلث لاجوردی برجسته بر متن گل و بوته‌دار زرین‌فام، مشتمل بر صلوات کبیر است. ۲۴ قطعه به ابعاد ۲۷/۵*۴۱ سانتی‌متر متن اصلی کتیبه نقش برجسته به خط ثلث: اللهم صل علی المصطفی و المرئضی و البتول و المحج... (و المجتبی) الشہید و السجاد و الباقر و الصادق و الکاظم و التقی و النقی و الزکی العسکری الامام المنتظر المهدی صلوات الله علیهم اجمعین و اصحابه العزرا الراشدين اللهم و ال من والاهم و عاد من عادهم و انصر من نصرهم و اخذل من خذلهم و العن من ظلمهم و عجل فرجهم و اهلك اعدائهم اللهم احشرنا مع الطه و یس بمحمد و الائمه الیادین	
۲	کاشی‌های لوح مزار بر روی مقبره حضرت ^۸	دارای ۳ ردیف کتیبه ثلث لاجوردی و خط کوفی بر متن گل و بوته‌دار زرین‌فام و نقوش اسلیمی و کتیبه و نقش محرابی در مرکز مشتمل بر ۱۵ قطعه کاشی به ابعاد ۴۰*۶۰ سانتی‌متر ^۹ دارای متونی مشتمل بر آیه‌الکرسی، آیاتی از سوره آل عمران و ملک رقم کاتب و سازنده این مجموعه در این قسمت آمده است: «کتبه و عمله محمد بن ابی طاهر بن ابی الحسن»	
۳	کاشی‌های بیرونی در چهارگوشه دارای چهار حفره که احتمالاً برای قرارگیری شمع‌دان تعبیه شده‌اند.	حاوی متون ردیف اول است.	
۴	لبه بیرونی کتیبه کاشی‌های روی قبر حضرت که متصل به ردیف اول هستند	به خط نسخ و مشتمل بر آیات مبارک سوره یس به رنگ طلائی بر زمینه سفید	

جدول ۱. جدول معرفی قسمت‌های مختلف مزار

شماره	نام	توضیحات	تصویر
۵	کتیبه کاشی‌های دیواره بالای مقبره	به خط ثلث لاجوردی برجسته بر متن گل و بوته‌دار زرین‌فام، مشتمل بر مشخصات وقفی واقف و تاریخ خلق اثر ۲۸ قطعه به ابعاد ۳۰*۴۰ سانتی‌متر	
۶	کتیبه پایینی ردیف پنجم	به خط نسخ مشتمل بر آیاتی از سوره یس به رنگ طلایی بر زمینه سفید	
۷	کاشی‌های ستاره و هشت‌ضلعی دیواره جانبی مقبره ^{۱۰}	کاشی‌های زرین‌فام رنگین با نقوش گیاهی و حیوانی و دارای حاشیه‌های کتیبه‌دار مشتمل بر آیات، روایات و احادیث پنج ردیف کاشی	
۸	چهار کاشی ایستاده L شکل در چهار گوشه جانبی قبر	فن زرین‌فام تک‌رنگ بر روی زمینه سفید با نقوش محرابی و مشتمل بر احادیث نبوی و رقم سازنده: «کتبه علی بن محمد» شش قطعه دو تکه‌شده و یک قطعه سالم بزرگ‌ترین لت ۲۰*۶۰	
۱۰	کتیبه کاشی‌های دیواره پایینی مقبره	به خط ثلث لاجوردی برجسته بر متن گل و بوته‌دار زرین‌فام، مشتمل بر آیات آمن الرسول (بقره: ۲۸۵ و ۲۸۶) و رقم کاتب آنها: «کتبه ابوزید» ۲۵ قطعه به ابعاد ۳۰*۴۰ سانتی‌متر	
۹ و ۱۱	ردیف کتیبه‌های بالا و پایین ردیف دهم کتیبه کاشی‌ها در قسمت پایینی	ردیف بالایی: به خط نسخ مشتمل بر سوره انسان به رنگ طلایی بر زمینه سفید ردیف پایینی: به خط نسخ مشتمل بر سوره رحمان به رنگ طلایی بر زمینه سفید	

هنرمندان و سازندگان

۱. محمد ابن ابی طاهر

آنچه برای نخستین بار در تاریخ سفالگری زرین‌فام ایران رخ داده است، همانا کار گروهی از برترین نقاشان، صنعتگران و خطاطان برای آفریدن هنری در مقدس‌ترین اماکن مذهبی این سرزمین است. در قسمت مرکزی و پایینی لوح مزار حضرت فاطمه معصومه (س) نوشته‌ای خودنمایی می‌کند:

«کتبه و عمله محمد ابن ابی طاهر ابن ابی الحسن»^{۱۲}

تاریخ اثر

مهم‌ترین نکته مجموعه کتیبه کاشی‌ها، تاریخ خلق اثر است که رقم ۶۰۲ قمری را نشان می‌دهد. این تاریخ دقیقاً زمان سلطنت علاءالدین محمد خوارزمشاه، برجسته‌ترین پادشاه خوارزمشاهیان، را نمایش می‌دهد.^{۱۱} این تاریخ از سویی دیگر نیز درخور تأمل است و آن اینکه قدیمی‌ترین کتیبه کاشی مرقوم تاریخ ایران را به ما نمایش می‌دهد. مابقی آثار زرین‌فام مرقوم، به تاریخی پس از این تعلق دارد. نزدیک‌ترین تاریخ در میان کتیبه کاشی‌های زرین‌فام مربوط به مقبره امام رضا (ع) است که تاریخ ۶۱۲ قمری را به ما نشان می‌دهد (بهرامی، ۱۳۲۷: ۸۴).



تصویر ۲. کتیبه کاشی حرم حضرت معصومه (س) مشتمل بر تاریخ ساخت اثر «رجب ۶۰۲»



تصویر ۳. کتیبه ساخت کاشی‌های حرم امام رضا(ع) به تاریخ «ربیع الآخر ۶۱۲»
 مأخذ: (فغفوری و دیگران، ۱۳۹۳: ۹)



تصویر ۴. رقم سازنده و کاتب کاشی‌های لوح مزار

سفارش‌هایی از حرم امام رضا(ع) برای ساخت کاشی‌های مقبره و بنای آن حضرت به کارگاه‌های قم و شخص استاد علی جاسبی کاشی‌ساز قمی می‌دهد و توصیفاتى دربارهٔ چگونگی تولید و ارسال آنها به مشهد می‌دهد (فیض، ۱۳۴۹: ۴۵۹).

آنچه از مطالب فوق بر می‌آید، خبر از حضور پرننگ کارگاه‌ها و شخص محمد ابن ابی طاهر در قم دارد. محمد بن ابی طاهر در اواخر سدهٔ ششم و اوایل سدهٔ هفتم قمری می‌زیست و نخستین فرد از این خانواده است که نام خود را به‌طور کامل بر آثارش ثبت کرده است. وی معاصر سلطان محمد خوارزمشاه بوده و در کار ساخت کتیبه‌کاشی‌ها و محراب‌های بزرگ زرین‌فام با درخشش و رنگ‌آمیزی یکدست و همگن تبحر داشته است؛ فعالیت هنری او در اوج شکوفایی، بیشتر وقف تزئینات داخلی آستانهٔ حضرت معصومه(س) در قم و حرم مطهر امام رضا(ع) در مشهد شده بود (معتقدی، ۱۳۹۳: ۱۶).

کتیبه حاوی پیام‌های مهمی است؛ چه از لحاظ تاریخی و چه از منظر هنری. این رقم تاریخی در کنار تاریخ ساخت اثر در ۶۰۲ قمری، بیانگر قدیمی‌ترین نمونهٔ کتیبه‌کاشی زرین‌فام در تاریخ ایران است. اما آنچه از متن کتیبه بر می‌آید، نسبت اثر به خاندان طاهر کاشانی، یکی از خانواده‌های قدیمی، هنرمند و صنعتگر کاشانی و ایرانی است.

به گفتهٔ عباس فیض در کتاب *گنجینهٔ آثار قم*، در این شهر از سدهٔ پنجم قمری کارگاه‌های مجهز کاشی‌سازی وجود داشته و بسیاری از سفارش‌های مهم در ایران به این کارگاه‌ها می‌رسیده است. وی ادعا می‌کند محمد ابن ابی طاهر هم ساکن و تربیت‌یافتهٔ همین شهر و کارآموختهٔ همین کارگاه‌هاست (فیض، ۱۳۴۹: ۴۵۸). فیض با اشاره به کتاب *خزائن* شیخ نراقی اشاره می‌کند که قاضی احمد قمی در نامه‌ای که به فضلالی جاسب نوشته بود، خبر از سفارش‌های خارج از قم در این حوزه در سال ۵۰۰ داده است (نراقی، ۱۳۰۸: ۳۶۰). همچنین در حدود ۵۰۰ قمری، خبر از

۲. ابوزید

خاندان طاهر در ساخت چندین پروژه، بی‌نیاز از همکاری با دیگر هنرمندان ماهر کاشان نبودند. بر همین روال، محمد بن ابی طاهر نیز از هنرمند برجسته‌ی زمان خود، یعنی «ابوزید محمد بن ابی زید» در تهیه‌ی کاشی‌های لوح مزار حرم حضرت معصومه (س) بهره برده است. قدر مسلم «این دو هنرمند در گسترش شیوه‌ی زرین‌فام ایرانی نقش عمده‌ای داشته‌اند. محمد در ساخت کاشی و نوشتن کتیبه برتری و استادی داشت و ابوزید از تسلط و توان بیشتری در طراحی نقوش و نقاشی برخوردار بود» (Bahrami, 1944: 39).

همان‌طور که از متن کتیبه‌ی فوق بر می‌آید، نگارش و ساخت مجموعه‌ی کاشی‌های لوح مزار بر عهده‌ی خود محمد بن ابی طاهر بوده است. احتمالاً ابوزید با توجه به تسلط بیشتر در حوزه‌ی طراحی و نقاشی، در بحث تزیینات کاشی‌ها مشارکت داشته است. همچنین نام ابوزید در دو قسمت مزار آمده است. یکی در ردیف پنجم و در دیواره‌ی بالایی و دیگری در انتهای ردیف دهم و دیواره‌ی پایینی کتیبه‌کاشی‌ها. این امر مبین اهمیت حضور ابوزید در پروژه‌ی مذکور است؛ به نحوی که پس از نام واقف اثر که دارای پست سیاسی کلان حکومتی در دوران خود است، نام او به‌همراه تاریخ اثر اضافه شده است.

در رقم‌های باقی‌مانده از ابوزید در کتیبه‌ی پایینی مرقوم گشته «کتبه ابوزید بظه؟» آنچه از کتیبه و مفهوم آن بر می‌آید، کلمه «بظه» فاقد بار معنایی مشخصی است و در بسیاری از منابع قدیمی همچون بهرامی نیز به همین عبارت اشاره شده است. اما با بررسی دقیق شیوه‌های رقم‌نگاری ابوزید، همان‌گونه که بلر هم اشاره می‌کند، گاهی ابوزید عبارت را به کلمه «بخطه» به پایان می‌رساند (Blair, 2008: 162)؛ به معنی اینکه کتیبه به خط خود ابوزید نگاشته شده است. این امر مفروض است که چون عموماً کلمات «صنع»، «عمل» و «بخطه»، توسط تیم سازنده‌ی کاشی‌ها یعنی محمد بن ابی طاهر انجام می‌شد و عموماً لقب ابوزید همراه با کلمه «نقاش» می‌آمد، برای تأکید بیشتر بر نگارش کتیبه‌ی فوق، عبارت «بخطه» را در انتهای کتیبه‌ی خود اضافه کرده است.

۳. علی بن محمد بن ابی طاهر

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، سنت کاشی‌زرین‌فام نسل به نسل در این خاندان در بیش از سه سده ادامه پیدا کرد و پس از حملات ویرانگر مغول به شهر کاشان، به سبب ناامنی و آشوب در شهر، رکودی در آفرینش هنری

همان‌طور که ابوالقاسم عبدالله کاشانی یکی از اعضای خاندان طاهر در سال ۷۰۰ در کتاب *عرایس الجواهر و نقایس الاطائب* نوشته، محمد بن ابی طاهر از نوادگان هبه‌الله، یکی از خانواده‌های بزرگ و مشهور کاشی‌ساز کاشان بود. هنر کاشی‌کاری که به‌صورت موروثی به دستان هنرمند این هنرمند بزرگ رسیده بود، به برترین شکل آن ظهور یافت. اعضای این خاندان، استادکاران ماهری بودند که سرپرستی کارگاه‌های سفال‌سازی کاشان را بیش از سه سده بر عهده داشتند و به قول پوپ، تداوم ۳۵۰ ساله سنت هنری در آثار این خاندان چشمگیر است و به مدد احیای یک سنت بدون وقفه از پدر به پسر یا استاد-شاگردی، می‌توانست منتقل و حفظ شود (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۸۰۷).



تصویر ۵. کتیبه‌کاشی روی مزار حضرت معصومه (س) معروف به «لوح مزار» که در قسمت پایینی آن مزین به رقم سازنده‌ی آن، محمد ابن ابی طاهر، است.

مأخذ: (ستوده، ۱۳۷۵: ۱۲۱)

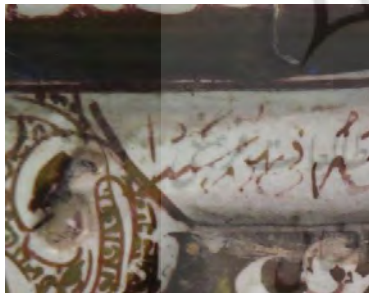
دوره‌های متأخرتر از نمونه‌های کتیبه‌کاشی‌های ساخته‌شده در تاریخ ۶۰۲ قمری است. تاریخ خلق کاشی‌ها از بین رفته است؛ ولی رقم «کتبه علی بن محمد» بر روی کاشی‌ها باقی مانده است. با توجه به حضور وی در تاریخ ۶۶۳ قمری در قم^{۱۴} تاریخ خلق آثار فوق هم ممکن است به همین تاریخ باز گردد (بلر، ۱۳۹۱: ۳۹۴). تزیینات به‌کاررفته در این کاشی‌ها، کم‌کارتر و بیشتر حول نقوش محرابی و مشتمل بر احادیث نبوی است.

این خاندان پدید آمد. البته با بازگشت آرامش، خلق آثار از نو در کارگاه‌های کاشان طی دهه‌های پایانی سده هفتم ادامه یافت. علی بن محمد که فرزند محمد بن ابی طاهر است، در ادامه سنت کاشی‌سازی به ساخت نمونه‌هایی برای مقابر مذهبی ایران ادامه داد.

علی پسر محمد، کاشی‌های زرین‌فام جدیدی در مقبره‌های حضرت معصومه (س)، امام رضا (ع)، امامزاده‌های ورامین و قم نصب کرد. در چهار گوشه جانبی مقبره حضرت معصومه (س) چهار قطعه کاشی L شکل وجود دارد که به فن زرین‌فام تکرنگ^{۱۳} قرار گرفته است. این آثار در



تصاویر ۶ و ۷. دو کتیبه کاشی مزین به نام ابوزید در قسمت‌های بالایی و پایینی دیواره مزار



تصاویر ۸ و ۹. رقم علی بن محمد در کاشی‌های کنج مقبره. در تصویر سمت چپ، تاریخ خلق اثر مخدوش شده است.



تصویر ۱۰. کتیبه کاشی بانی اثر «المظفر بن احمد بن اسمعیل ابن الوزير الشهید معین الدین احمد بن فضل بن محمود»

الراحمین کتبه ابوزید امجره ع... فی الثانی
من رجب سنة ۶۰۲.

نکته درخور توجه رقم واقف کتیبه کاشی‌ها، مظفر بن احمد بن اسماعیل است که در منابع محدودی، اطلاعات روشنی از آن به دست می‌آید. در کتاب گنجینه آثار، عباس فیض او را از امیران دولت سلجوقی دانسته و وی را سرسلسله دودمان آل مظفر معرفی می‌کند (فیض، ۱۳۴۹: ۴۶۰). همچنین شیلا بلر وی را عضوی از خانواده وزرای خوارزمشاهی معرفی کرده و جدش، «الوزیر الشهید معین الدین احمد بن فضل بن محمود» را که در کتیبه هم نامی از وی به میان آمده است، احتمالاً همان «مختص الملک الکاشی» می‌داند که از ۴۰۱ تا ۴۰۵ قمری، وزیر دربار سلطان سنجر سلجوقی بود و به فرمان امرا سرکش، دستگیر و زندانی شد (بلر، ۱۳۹۱: ۴۰۱). اگر صحت تاریخی گزارش بلر را صحیح بدانیم، واقف و بانی اثر نیز از شهر کاشان است و رابطه آن با هنرمندان خالق اثر بیش از پیش برقرار می‌شود.

واقف اثر

کل کتیبه کاشی‌های دیواره بالای مقبره (ردیف پنجم) در بخش مرکزی با خط ثلث بر زمینه زرین‌فام منقوش به معرفی واقف اثر می‌پردازد:

«امر بترکیب هذه الكتابة الصينية العبد
الضعیف الفقیر المحتاج الی رحمة الله
تعالی و غفرانه المظفر بن احمد بن
اسمعیل ابن الوزير الشهید معین الدین
احمد بن فضل بن محمود ابتغاء المرضاة
الله و تقرباً الی رسوله محمد و آله الطاهرين
صلوات الله علیه و علیهم اجمعین اللهم اغفر
للمؤمنین و المؤمنات المسلمین و
المسلمات الاحیاء منهم و الی الاموات فی
مشارك الارض و مغاربها انک ولیع ... و
مجیب الدعوات رحمتک برحمتک یا ارحم

نتیجه

ابوزید در دو کتیبه کاشی مجزا نقش بسته که یکی از آنها احتمالاً گواه تاریخی کتابت متن کاشی نیز هست. همچنین در دهه‌های بعدی و احتمالاً در ۶۶۳ قمری، «علی بن محمد» کاشی‌هایی با نقوش و تکنیکی متفاوت در مزار نصب کرده است. همچنین نام بانی اثر، «مظفر بن احمد بن اسماعیل»، و نسب آن که یکی از امرای خوارزمشاهی است، در میان کتیبه‌ها نقش بسته است. تمامی مجموعه فوق، از سویی خبر از کاری فخیم و ملی و از سوی دیگر، ادای آیینی و مذهبی سازندگان آن دارد؛ شاخصی هنری که تا به امروز از برجسته‌ترین نمونه‌ها و البته قدیمی‌ترین نمونه آن در دنیای سفال و سرامیک جهان است؛ همان گونه که کیگر اسمیث ابداع زرین‌فام را مهم‌ترین دستاورد مسلمانان در حوزه سرامیک جهان می‌داند.

سپاسگزاری

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند مراتب سپاسگزاری خود را از زحمات جناب آقای دکتر رسول جعفریان که در تصحیح، معرفی و خوانش برخی منابع تاریخی همکاری شایانی کردند، حجت‌الاسلام و المسلمین اسماعیل محمدی که مقدمات و الزامات تهیه پژوهش را میسر ساختند و جناب آقای بهزاد یوسفزاده که در تهیه تصاویر و برخی منابع کمال همکاری را داشتند، اعلام کنند.

سفالگری ایرانی-اسلامی در شهرهای مختلف این سرزمین با توسعه علم، فرهنگ و تمدن آن رشد چشمگیری کرد. در این میان و از سده پنجم قمری، سبکی متناسب با مفاهیم دینی و ملی ایرانیان رشد و نمو یافت که بهترین نمونه‌های آن را باید در سده هفتم جست‌وجو کرد. پیشرفت روش‌های زرین‌فام در اوج شکوفندگی و پیچیدگی هنری و فنی در نمونه‌های تولیدی کتیبه کاشی‌های زرین‌فام اوایل سده هفتم متبلور شد؛ کاری با همکاری هنرمندان خاندان‌های مختلف ایران نظیر خاندان طاهر کاشانی و ابوزید و در نتیجه حمایت‌های بانیان آن روزگار که همگی برای نخستین بار بر بدنه کتیبه کاشی‌های مزار حضرت فاطمه معصومه (س) نقش بست.

این مجموعه در تاریخ ۶۰۲ قمری به پایان رسید و اولین نمونه آثار از این دست بود که تمام ویژگی‌های تاریخی و هنری خود را مرقوم در نهاد خود قرار داده است. شاید نمونه مذکور، در کنار مجموعه آستان مقدس امام رضا (ع) در سال ۶۱۲ قمری که توسط همین گروه صورت گرفته است، آخرین تلاش‌ها در دوران خوارزمشاهیان و پیش از حمله مغولان به ایران باشد.

این نمونه شاخص در میان کتیبه‌های موجود به نام «محمد ابن ابی طاهر» به‌عنوان سازنده کاشی‌ها و خطاط آن اشاره دارد. در این اثر، مانند نمونه‌های دیگر تولیدی در آن ایام، فعالیت‌های تزئینی کاشی‌ها با «ابوزید» بوده است. نام

پی‌نوشت‌ها

1. Lustre Glaze

۲. بیشتر مربوط به سده‌های سوم تا پنجم قمری است.
۳. از نظر مهدی بهرامی، الیور واتسون و اتینگهاوزن، کهن‌ترین ظروف تاریخ‌دار زرین‌فام در ایران، کوزه‌های لب‌شکسته و با تاریخ ۵۷۵ قمری، متعلق به موزه بریتانیاست (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۸۹۷؛ بهرامی، ۱۳۲۷: ۶۵). در کتاب *سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر*، نوشته لیلیا رفیعی، کهن‌ترین نمونه زرین‌فام ایرانی، سفالینه‌های به‌دست‌آمده از شوش متعلق به اوایل سده سوم است (اکبری، ۱۳۸۷: ۴۴). همچنین کیانوش معتقدی در کتاب *خاندان طاهر کاشانی* قدیمی‌ترین نمونه را کاسه زرین‌فام مجموعه خلیلی در لندن با تاریخ ۵۰۴ قمری معرفی می‌کند (معتقدی، ۱۳۹۳: ۱۱). تفاوت‌های مذکور می‌توانسته بر اساس منابع در اختیار پژوهشگران و تاریخ‌نگاران متفاوت باشد. همچنین تأخر و تقدیم یافته‌های تاریخی می‌تواند به چنین تفاوت‌هایی منجر شود.
۴. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله بن محمد بن ابراهیم لواتی طنجی، ابو عبدالله، در شهر طنجه سال ۷۰۳ ه.ق/۱۳۰۴ م در مغرب (مراکش) به دنیا آمد.
۵. یاقوت حموی نویسنده کتاب *معجم البلدان* نیز شهر کاشان را به‌واسطه کاشی‌های زرین‌فام و مینایی که در آن ساخته می‌شد، چنین معرفی کرده است: «مدینه قرب اصیبهان، تذکر مع قم و منها یجلب الغضائر القاشانی و العامه بقول القاشی» (حموی، ۱۹۷۷: ۲۹۶).
۶. در سه کتاب، *گنجینه آثار قم* از عباس فیضی، *تربت پاکان* از مدرس طباطبایی و *کتابه‌های حرم مطهر حضرت معصومه (س) و حظیره های اطراف آن* نوشته منوچهر ستوده، می‌توان توضیحاتی تقریباً یکسان را مشاهده کرد. نکته درخور توجه این است که مدرس طباطبایی و منوچهر ستوده احتمالاً در زمان واحد و مشترک روی این موضوع بررسی‌هایی داشته‌اند و این موضوع از گلایه مدرس طباطبایی به دلیل ذکر نشدن نام او در کتاب ستوده قابل جست‌وجو است. او منبع خود را مقاله منوچهر ستوده در نشریه معارف اسلامی در سال ۵۳ معرفی می‌کند (مدرس طباطبایی، ۱۳۵۳: ۴۷).
۷. طرح کلی طراحی شده و تناسب در آن رعایت نشده است.
۸. این قسمت امروزه روی مقبره حضرت نصب است.
۹. این قسمت به دلیل دست‌رسی نداشتن به کاشی‌ها و مقبره از متن کتاب *تربت پاکان* مدرس اقتباس شده است. شایان ذکر است در خوانش کتیبه به‌اشتباه مدرس رقم را «محمد بن ابی طاهر بن ابی الحسین» خوانده است (مدرس، ۱۳۵۳: ۴۷).
۱۰. این قسمت امروزه روی مقبره حضرت نصب است.
۱۱. دوران سلطنت از ۵۹۶ تا ۶۱۷ قمری.
۱۲. در بسیاری از منابع «ابی الحسن» به‌اشتباه «ابی الحسین» خوانده شده است.
۱۳. مونو کروم.

۱۴. گفتنی است نام‌برده برای ساخت کاشی‌ها و محراب امام‌زاده شاه احمد قاسم در تاریخ ۶۶۳ قمری در قم بوده است. این تاریخ بر اساس کتیبه‌های موجود در امام‌زاده بیان شده است و احتمالاً بلر نیز به همین دلیل، زمان حضور وی در قم را همین تاریخ می‌داند.

منابع

- اکبری، عباس (۱۳۸۷)، «نقد نظریه تطبیقی نقوش «الیور واتسون» در انتساب ابداع لعاب زرین‌فام به مصر»، *دوفصلنامه علمی- پژوهشی هنرهای تجسمی نقش‌مایه*، سال دوم، شماره چهارم، پاییز و زمستان، ۳۵-۴۴.
- بلر، شیلا (۱۳۹۱)، «جست‌وجوی ابوزید کاشانی در میان کتیبه‌ها»، ترجمه صفورا فضل‌اللهی، *پیام بهارستان*، پاییز، دوره دوم، سال پنجم، شماره ۱۷، ۳۸۸-۴۱۳.
- بهرامی، مهدی (۱۳۲۷)، *صنایع ایران: ظروف سفالین*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پوپ، آرتر آپم (۱۳۸۷)، *سیری در هنر ایران، جلد چهارم: سفالگری، خوش‌نویسی، کتیبه‌نگاری*، ترجمه نجف دریابندری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- حموی بغدادی، یاقوت (۱۹۷۷)، *معجم البلدان*، جلد چهارم، در صادر، چاپ بیروت.
- ستوده، منوچهر (۱۳۷۵)، *کتابه‌های حرم مطهر حضرت معصومه (س) و حظیره‌های اطراف آن*، قم: نشر کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ستوده، منوچهر (۱۳۵۳)، «کتیبه‌های آستانه مقدسه قم»، *معارف اسلامی*، شماره ۱۶، ۳۲-۳۸.
- فغفوری، ربابه و بلخاری قهی، حسن (۱۳۹۳)، «تجلی حکمت اسلامی در ساختار و مضامین محراب زرین‌فام حرم مطهر رضوی»، *نقش جهان*، سال چهارم، شماره ۱، ۷-۱۵.
- فیض، عباس، (۱۳۴۹)، *گنجینه آثار قم*، قم: مهر استوار.
- کاشانی، ابوالقاسم عبدالله (۱۳۴۵)، *عرایس الجواهر و نفایس الاطایب*، به کوشش ایرج افشار، تهران: نشر انجمن آثار ملی.
- مدرس طباطبایی، حسین (۱۳۵۳)، *تربت پاکان*، قم: مهر.
- معتقدی، کیانوش (۱۳۹۳)، *خاندان طاهر کاشانی (گلستان هنر شماره ۹)*، تهران: پیکره.
- نراقی، ملا احمد (۱۳۰۸)، *خزائن*، تهران: نشر کنگره محققان نراقی.

Bahrami, Mehdi (1944), A Master-Potter of Kashan, *Transactions of the Oriental Ceramic Society*, No 20, pp.35-40

Blair, Sheila S (2008), *A Brief سرگذشت of Abu Zayd, Muqarnas*, No 25, Essays in Celebration of Oleg Grabar's Eightieth Birthday, Boston, pp.155-176.

Caiger-Smith, Alan (1985), *Lustre Pottery: Technique, Tradition and Innovation in Islam and the Western World*, Faber and Faber press, London.

Carboni, Stefano (1993), *Persian Tiles*, the Metropolitan Museum of Art, New York.